

## از آغاز تا وین

### به قلم: فاطمه منگلیان



این مذاکرات اتمی شامل فهرستی از تعلیق انواع فعالیت‌های اتمی ایران می‌شد به طوری که عدم توازن مثبت بین داده‌ها و ستانده‌ها علت اصلی ایجاد چالش‌ها در برجام بود. پس از انجام تعهدات توافق‌نامه توسط دولت ایران و پس از چندین ماه انتظار، با بدعهدی آمریکا و عدم پایبندی به مفاد قرارداد، شاهد خروج یک جانبه دونالد ترامپ از معاهده برجام بودیم؛ و پس از آن اعمال فشار حداکثری استراتژی نهایی دونالد ترامپ بر علیه جمهوری اسلامی ایران بود.

مقام معظم رهبری ایران در واکنش به سیاست جدید آمریکا علیه ایران در ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ هرگونه مذاکره مستقیم با آمریکا را ممنوع اعلام کرده و با اشاره به تجربه برجام به‌عنوان نمونه‌ای واضح از تاکتیک‌های آمریکا در مذاکره، با «متقلب و زورگو خواندن» آمریکا، وارد شدن به مذاکره با این کشور را «بزاری برای فشار بر ایران» خواند و اعلام کرد «با این دولت نمی‌شود مذاکره کرد».

در اخبار جدید مذاکرات دولت سیزدهم و در تاریخ ۸ آذر ماه سال جاری، شاهد از سرگیری مذاکرات ایران و گروه موسوم به ۴+۱ در شهر وین کشور اتریش بودیم. نگاهی به وضعیت گفت‌وگوها نشان می‌دهد در هفت دور قبلی مذاکرات بر سر بنیادین‌ترین مسائلی که قرار است رفع تحریم‌ها را از یک مسئله نمادین و روی کاغذ خارج کرده و ضامن منافع واقعی ملت ایران باشد (از جمله امتناع آمریکا از لغو همه تحریم‌ها، عدم ضمانت‌دهی آمریکا برای عدم خروج مجدد از برجام و راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها) کماکان هیچ توافقی حاصل نشده است. در واقع راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها، نوع تحریم‌ها و تضمین عدم خروج مجدد از برجام را می‌توان سه موضوعی دانست که پیچیده‌ترین مسائل محل اختلاف میان طرف‌ها هستند.

امروزه شاید به‌واسطه گستردگی اخبار جدید مذاکرات برجام یا همان برنامه جامع اقدام مشترک، از یاد بردن و یا کمرنگ شدن سوابق قبلی مذاکرات ایران، امری عادی تلقی شود؛ حال آنکه مرور تاریخچه و گذشته در هر مقطعی، می‌تواند فضای غبارآلود و ناواضح را به شفافیت بدل سازد.

آنچه از تاریخ مذاکرات ایران روایت آغازین دارد؛ به سال ۱۳۵۹ و پس از انقلاب بازمی‌گردد؛ معاهده الجزایر در سال ۱۳۵۹، بر سر تحویل دادن گروگان‌های آمریکایی از سوی ایران؛ که در مقطع زمانی خود تعریف شد؛ اما ماجرای مذاکرات هسته‌ای ایران از کجا و چطور شروع می‌شود؟ مذاکراتی که از اوت ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) شروع شد و تاکنون پرونده‌ای نافرجام دارد.

در سال ۱۹۶۸ پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای موسوم به N.P.T در مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس شد؛ که به موجب آن به جز ۵ کشور دارنده سلاح اتمی (آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین) هیچ کشور دیگری حق تکثیر و تولید و انتقال تکنولوژی یا سلاح هسته‌ای را ندارد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به نیاز روزافزون به انرژی برای جمعیت رو به رشد مانند هر کشور دیگر عضو معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی، اقدام به فعالیت در زمینه‌ی بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نموده است.

مذاکراتی که طی دوره‌های اخیر و در دهه نود انجام گرفت؛ همگی بر یک سیاست در گردش بودند. از مذاکرات نیویورک به‌عنوان اولین مذاکره ایران با قدرت‌های جهانی پس از ریاست حسن روحانی تا مذاکرات ژنو ۴،۵ و نهایتاً ژنو ۶ در آوریل ۲۰۱۵، محور گفتگوها بر عادی سازی روابط اقتصادی تجاری و رفع همه تحریم‌ها از جانب تیم مذاکره کننده ایرانی و نیز متقابلاً خواسته‌های قدرت‌های جهانی در این



در دولت فعلی ایالات متحده آمریکا، به ریاست جو بایدن، به صراحت اعلام شده که تضمینی از سوی آمریکا برای ورود دولت بعدی به برجام نیست. پس احتمال تکرار قضایای قبلی برجام در دولت‌های پیشین، بر علیه جمهوری اسلامی ایران زیاد است؛ لذا به دلیل ذاتی عدم اراده سیاسی آمریکا برای رفع تحریم‌ها و امکان تکرار سیاست فشار حداکثری و یا سیاست مذاکرات قوی‌تر به‌عنوان اهرم فشار و وادار کردن ایران برای نشستن پشت میز مذاکره، بر دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران لازم است که با عدم ساده‌انگاری، سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها و تولید قدرت را بیش از پیش در روال کار خود قرار دهند و احتمال زیاد بقای تحریم‌ها را مد نظر داشته باشد.

بنا بر آخرین اظهارات خطیب زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران، آمریکایی‌ها نمی‌توانند با تصمیمات یکسان نتایج متعدد ببینند. برای اینکه نتایج

## ما ناقضان شعارهای خود هستیم!

## به قلم: زهرا مظفری

متفاوتی را ببینند باید اقدامات متفاوتی را انجام دهند و متأسفانه آنچه که اکنون مشاهده می‌کنیم همان روند قبلی است.

بر اساس منطق دیپلماسی از نگاه رهبر انقلاب، تعامل با دنیا همراه با شناخت طرف مقابل و شگردهای او و با مد نظر داشتن هدف‌های اساسی و کلان برای ادامه مسیر و عبور از موانع، سیاستی قوی است که نظرات کارشناسانه نیز کاملاً آن را تأیید می‌کنند.

اکنون جمهوری اسلامی ایران در نقطه‌ای ایستاده است که در جریان تولید قدرت چه در بحث هسته‌ای و چه در بحث نظامی موفق عمل کرده و متخصصان داخلی به نتایج شگفت‌آوری در حوزه علم و پیشرفت دست یافته‌اند؛ لذا سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها از طریق اتکا به توان داخلی، بیش از پیش به‌عنوان دست‌آویز محکم ایران، استراتژی اثرگذاری است.

هر نزاعی در هر گوشه‌ای از این کره‌ی خاکی قلب ما را به درد می‌آورد و ما را نگران شرایط و آینده‌ی هموعان خود میکند چه برسد به آنکه این نزاع گسترده‌تر شود و نام «جنگ» به خود گیرد، آن هم جنگی که عده‌ای هشدار خطر جدی نسبت به آن داده و حتی از آن به‌عنوان جنگ جهانی سوم یاد میکنند.

حال اما سخن در رابطه با کم و کیف جنگ میان روسیه و اوکراین نیست، سخن از رفتارها و استانداردهای دوگانه است که سال‌ها کسی نگران مردم مظلوم یمن، سوریه، فلسطین و ... نشد اما امروز با شعارهای انسان‌دوستانه‌ی جملگی به صف دلسوزان اوکراین پیوسته‌اند و گویا مظلوم بودن رابطه‌ی مستقیمی با جغرافیا و همین‌طور رنگ چشم پیدا کرده است و ما از آن بی‌خبریم که هنوز هم سخن پیامبرمان را سرلوحه‌ی خود قرار داده ایم و این ظالم یا جغرافیا و ظاهر مظلوم نیست که روی مواضع ما اثری بگذارد. البته داستان این دوگانگی به همین جا ختم نمی‌شود و هر لحظه اخبار و تصاویری منتشر می‌شود که دیدن این حجم از فضاقت جامعه بشری خاصه غرب که حتی جنگ هم توانایی ممانعت از نژادپرستی آنان را نداشت، انسان را به تحیر وادار می‌دارد! برای مثال یکی از اخباری که این روزها در رسانه‌ها دست به دست می‌شود رفتار مقامات لهستانی با پناهجویان است که تنها به سفیدپوستان اوکراینی اجازه عبور از مرزها را می‌دهند و همین دولت با بسیج ارتش و پلیس، مرز لهستان را روی پناهندگان شرقی و آفریقایی بسته و حتی به کودکان گرسنه و زنان باردار نیز رحم نکرده‌اند.

مواجهه دوگانه با پناهجویان مختلف یک روی سکه است روی دیگر سکه رفتارها و واکنش‌هایی است که به نام حمایت از اوکراین انجام می‌گیرد، حمایت‌هایی که سال‌ها به خاطر رفتارهایی مشابه آن مورد انتقادهای تند و تیزی قرار گرفتیم و هربار زمانی که در مسابقات و رویدادهای بین‌المللی نمایندگان ایرانی از رقابت با نمایندگان رژیم اشغالگر قدس ممانعت می‌کردند شعار خوش آب و رنگ «ورزش سیاسی نیست.» را به ما یادآور می‌شدند و کار به جایی رسید که مسیح‌علینژاد و بعد هم به پیروی از او هم‌فکرانش، به دلیل همین امتناع خواستار تحریم ورزش ایران بودند! اما چه شد؟ با این جنگ چه تحولی در دنیای ورزش رخ داد که از کمیته المپیک، اتحادیه اروپا، فیفا و مسابقات فرمول یک تا تیم‌های ملی لهستان و سوئد و چک همگی در راستای دادخواهی اوکراین به نحوی به مقابله با روسیه بر خواسته‌اند و به طور رسمی ورزش را سیاسی کردند؟ به راستی جنگ روسیه و اوکراین به خوبی پرده از چهره‌ی حقیقی غرب کنار زد و آنها نیز با رفتارهایشان به راحتی مواضع پیشین خود را نقض کردند و زین پس نمیدانیم این رفتارهای مشابه دم‌خروششان را باور کنیم یا ندهای حقوق بشر دوستانه و ورزش از سیاست جداست آن‌ها را؟ در مقابل این رفتارها و استانداردهای دوگانه ما اما چنان همیشه مواضعمان روشن و مشخص است و به دادخواهی مظلومان جهان در هر کجای این کره‌ی خاکی خواهیم شتافت و بی‌هیچ سوگیری سیاسی و نژادپرستانه شعار نه به جنگ سر می‌دهیم.





نخستین بار نیست که از افراط و تفریط می‌شنویم. بارها در تاریخ و جغرافیای این کره خاکی شاهد تعصب جاهلانه، بی‌بندوباری، بی‌تفاوتی و زیاده روی بوده‌ایم. اگر از غرب به شرق جهان بنگریم، بوده‌اند افرادی که برهنگی را تمدن دانسته و از شرق به غرب را اگر بررسی کنیم دیده‌ایم کسانی که محدودیت را دین و پاک دامنی شمرده‌اند.

به هندوستان سفر می‌کنیم؛ ایالت کارناتاکا که ورود دانشجویان محجبه به این دانشگاه تخلف محسوب می‌شود و این بار شاهد شجاعت دانشجویی بودیم که با پوشش وارد دانشگاه شد و مورد حمله اسلام هراسانه قرار گرفت.

روزها بعد از وقوع این اتفاق بی‌بی مسکان خان در گفت و گویی که با آناتولی داشت گفت: «منتظر رأی دادگاه عالی هستیم. قانون اساسی کشورمان مخالف هیچ دین و مذهبی نیست.» خان که اکنون قهرمان و پرچم دار مبارزه با مخالفان حق و حجاب است ادعا دارد که نمی‌ترسد به راستی که او از این قبیل حملات هیچ واهمه‌ای ندارد و در زمان حمله به یاد خدا بوده که به این شجاعت رسیده است. همچنین او در صحبت‌هایش گفته: «برخی‌ها مسیر اشتباه را انتخاب کرده‌اند اما آنها نیز برادران و خواهران من هستند. مطمئن هستیم که به زودی همه چیز با خوبی و خوشی پایان خواهد یافت.»

و اما ماجرا از کجا شروع شد؟ شش دانش‌آموز در ناحیه اودوپی ایالت کارناتاکا در جنوب هند، به دلیل حجاب از رفتن به سر کلاس منع شدند. آن‌ها به این موضوع اعتراض کردند و عکس‌های آن در شبکه‌های اجتماعی بسیار دست به دست شد. در واکنش به این مسئله مسئولان دبیرستان گفتند آنها به دانش‌آموزان اجازه حضور در مدرسه با حجاب را داده‌اند و فقط خواسته‌اند حجابشان را سر کلاس درس بردارند. اما دانش‌آموزان که همگی لباس اجباری یک‌دست مدرسه را به تن داشتند می‌گفتند باید اجازه داشته باشند موی سرشان را در کلاس بپوشانند.

موضوع حجاب پیشتر نیز در چند دبیرستان کارناتاکا پیش آمده بود اما وقتی عکس دانش‌آموزان معترض به برداشتن حجاب در اودوپی در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد ابعاد ماجرا گسترش یافت. پس از آن دانش‌آموزان هندو شروع کردند با شال زعفرانی به کلاس رفتن و این باعث شد مسئولان مدرسه‌ها اصرار کنند که نه حجاب نه شال هیچیک مجاز نیستند.

یک ویدئو نیز بسیار در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که نشان می‌داد مردانی با شال‌های زعفرانی به یک زن برقع پوش نزدیک می‌شوند و شعار می‌دادند "سلام بر خدای رام". پس از آنکه گروهی دانش‌آموز پسر پرچمی زعفرانی را در دبیرستانشان برافراشتند و فیلم آن منتشر شد دولت دستور تحقیق و تفحص داد. وزیر آموزش و پرورش ایالت کارناتاکا از مسئولان دبیرستان که هم

حجاب هم شال زعفرانی را ممنوع کرده‌اند حمایت کرد. او همچنین گفت "بدخواهان" دانش‌آموزان را به اعتراض تحریک کرده‌اند: «دعوا در اصل سیاسی است. همه اینها برای این است که سال آینده انتخابات مجلس ایالتی برگزار می‌شود.» او گفت جبهه مردمی هند قصد دارد نفوذ خود را در این ایالت گسترش دهد.

و اما موسکان خان طبق ویدئویی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است، در حال تلاش برای تحویل یک کار دانشگاهی در شهر ماندیا بود که مردانی با شال‌های زعفرانی هنگام عبور از محوطه مدرسه او را هل می‌دهند و از او می‌خواهند که پوشش صورتش را بردارد، اما خان به جای اطاعت، در حالی که مشتش را در هوا می‌کوبد، پاسخ داد، پاسخی قاطع: "الله اکبر".

فعالان سیاسی مسلمان هند می‌گویند که مناقشه حجاب نمونه دیگری از یک روند گسترده‌تر در هند است، روندی که از زمان روی کار آمدن حزب BJP نخست وزیر نارندرا مؤدی، نزدیک به هشت سال پیش، شاهد سرکوب جمعیت اقلیت مسلمان هند بوده است. آن‌ها می‌گویند که دولت با محروم کردن زنان مسلمان از انتخاب حجاب، آزادی‌های مذهبی آنها را که در قانون اساسی هند درج شده است، سلب می‌کند. پس از آنکه چندین مؤسسه آموزشی دولتی در کارناتاکا از ورود دانش‌آموزان با حجاب خودداری کردند، آنچه به عنوان یک اعتراض کوچک آغاز شد، به تیر خیزهای ملی تبدیل شد. اعتراضات از آن زمان به بعد به شهرهای دیگر نیز کشیده شده است و این اقدام دختران مسلمان بار دیگر همبستگی و اعتقاد مسلمان به ارزشهای دینی را نشان داد و باعث شد تا مخالفان اسلام بفهمند اگر اعتقاد کسی را لگد مال کنند به تندی با آنان برخورد خواهد شد. امید است از این جریان درس گرفته باشند و همانطور که شعارهای انسان دوستانه سر می‌دهند دست کم از توهین به عقاید مسلمانان دست بردارند و انسانیت خود را ثابت کنند.



«دسته‌ی دختران» و «هناس» با محوریت زنان و دختران و تم زنانه وجود داشت که جای خالی بررسی این نوع از فیلم‌ها با نگاه ظریف زنانه حس می‌شد.

در این میان مهم‌ترین حاشیه‌ای که باید به آن پرداخت و نمی‌توان به سادگی آن را توجیه کرد حذف تنها جایزه‌ی مردمی بودا دبیر چهلمین جشنواره فیلم فجر دلیل این حرکت را اطمینان‌بخش نبودن نتایج نظرسنجی مردمی به دلیل اشکالات فنی در ارسال پیامک و اختلال و قطعی اینترنت بیان کرد. این حرکت واکنش‌های متعدد و بعضاً متناقضی را چه از سوی اهالی سینما و چه از سوی مردم همراه داشت. شاید بتوان مانند عده‌ای این اقدام را مثبت و در راستای حرکت بر ریل رقابت سالم دانست اما چند نکته وجود دارد؛ نخست آنکه حذف هر چیز آخرین راه‌حل موجود است و انتظار می‌رفت راه‌حل‌های موجود دیگر نیز بررسی شده و یا اگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند به اطلاع افکار عمومی برسد چرا که نادیده گرفتن این علاقه‌ی مخاطبان و دوستداران سینما که از ارزش والایی نیز برخوردار است، حرکت نادرستی محسوب می‌شود و اقلان افکار عمومی از ضروری‌ترین مواردی است که وجود دارد و انتظار می‌رود این ضرورت را کسانی که با رسانه سروکار دارند و به شناخت بیشتری نسبت به اهمیت آن رسیده‌اند، بیشتر در نظر بگیرند و به آن توجه داشته باشند. نکته دیگر این است که این تصمیم زمانی منطقی و درست خواهد بود که از در سال‌های بعد سازوکار و سیستم درستی برای این مورد تعریف شده تا اشکالات و نقاط ضعف آن که منجر به حذف چنین جایزه ارزشمندی شد، به کمترین میزان ممکن برسد.

البته حواشی و معضلات جشنواره تنها در موارد مطرح شده خلاصه نمی‌شود و این موارد را می‌توان مهم‌ترینشان دانست. پس از گذشت ۴۰ سال از این جشنواره که عدد قابل توجهی با توجه به برگزاری هرساله جشنواره فجر محسوب می‌شود، انتظار می‌رود از حواشی و معضلات آن کاسته شده شود و به کیفیت هرچه بیشتر برگزاری مراسم افزوده شود تا شاهد رشد همه جانبه‌ی آن باشیم. امید است از موارد پیش آمده در فجر چهلم و جشنواره‌های پیشین درس گرفته شود تا در فجر چهل و یکم شاهد جشنواره‌ای پررونق باشیم.



در روزهای گذشته قطار فجر چهلم نیز به ایستگاه پایانی رسید و به مناسبت اتمام این جشنواره‌ی نسبتاً پرحاشیه خوب است به‌طور ولو اجمالی ابعاد مختلف آن را مرور نماییم.

نکته حائز اهمیتی که از ابتدا با حواشی گوناگون همراه شد هیئت انتخاب بود؛ نقطه اوج این ماجرا آنجا بود که برخی از آن‌ها صراحتاً بیان کردند تعدادی از فیلم‌ها را مشاهده نکرده‌اند یا برخی را به‌طور کامل مشاهده نکرده‌اند و در میانه‌ی فیلم به تماشای آن خاتمه داده‌اند و در صدور رأی برای این دسته از فیلم‌ها به نظر سایر اعضا مراجعه کرده‌اند! سؤال اینجاست که چطور ممکن است فردی دارای حق رأی باشد اما با توجه به نظر دیگران و بر اساس نوع نگاه آن‌ها به مسئله رأی خود را صادر کند؟ پس دلیل حضور نفرات و دیدگاه‌های متفاوت در این میان چیست؟ این مورد را حتی می‌توان نوعی بی‌توجهی به اهمیت زیاد این موضوع دانست و از طرف دیگر می‌توان این احتمال را داد که اگر همه‌ی اعضا طبق دیدگاه فردی خود رأی می‌دادند امکان حاصل شدن نتیجه‌ای متفاوت از آنچه شاهد بودیم، وجود داشت.

در مسئله هیئت انتخاب مورد دیگر که توجه‌ها را به خود جلب کرد عدم وجود حتی یک داور زن در جشنواره برای بررسی و نقد فیلم‌ها بود، اهمیت این مسئله آنجایی عیان می‌شود که امسال در جشنواره فیلم‌هایی نظیر





اقتصاد مقاومتی بر مبنای جهاد اقتصادی و نظام انگیزشی اسلامی، یک رویکردی نو در قالب گفتمان‌های انقلاب اسلامی است که با تدوین یک استراتژی علمی و کارشناسی شده به مقاوم سازی و ترمیم آن ساختارهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصاد می‌پردازد. اما برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصادی کشور به این منابع حرکت کرد.

اقتصاد مقاومتی اهداف بسیاری را دنبال می‌کند نظیر:

- (۱) مهار سوداگری و فساد، که گام اول تحقق اقتصاد پایدار است
- (۲) مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها
- (۳) رهایی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی
- (۴) اولویت بندی شرکای تجاری ایران
- (۵) فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

اقتصاد مقاومتی در شرایط امروزی کشور که روز به روز با تحریم های گسترده‌ای روبه رو می‌شود اهمیت دوچندان یافته است. این نوع از اقتصاد متکی به مردم است، به عبارت دیگر می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی متکی بر تولید داخلی است؛ مقام معظم رهبری نیز در این رابطه می‌فرمایند: ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است. از این رو با توجه به توان و ظرفیت‌های داخلی و بهره گیری از نیروهای داخل در این اقتصاد و کاهش واردات مهم تلقی می‌شود.

لذا با توجه به بررسی همه عوامل مؤثر در اقتصاد مقاومتی باید گفت که تحریم‌ها نمی‌توانند خلل مهمی برای کشوری با قدرت جمهوری اسلامی ایران و با این مرزهای گسترده و منابع خدادادی ایجاد کنند، کشوری که به خدای متعال اتکا دارد و ملتی استوار و هوشمند است حتماً در این میدان پیروز خواهند شد. آخر کلام، نظام اسلامی قادر است که با برنامه ریزی، تلاش، تدوین استراتژی ها و اقدامات لازم با محوریت اقتصاد مقاومتی، تهدیدهای امروز را به فرصت تبدیل کند.



«اقتصاد مقاومتی» واژه‌ای که این روزها زیاد آن را می‌شنویم اما شاید تعریف دقیق و حتی صحیحی از آن نداشته باشیم و خوب است به این بهانه و روز اقتصاد مقاومتی که ۲۹ بهمن بود با کلیات آن به طور دقیق آشنا شویم.

اقتصاد مقاومتی در ایران نخستین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. وی «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی نمود و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمدگی کشور برای جهش» را معرفی نمود. رویکرد اقتصادی ایران تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» غالباً در برابر اقتصاد تحت سیطره‌ای غرب دیده می‌شود.

بنا به تعاریف اقتصاددانان این نوع از اقتصاد معمولاً در رویارویی و مقابل وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می‌گیرد که در واقع منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه و ایستادگی نموده و سعی دارد که ساختارهای اقتصادی موجود را تغییر دهد و آن را براساس جهان بینی و اهدافش بومی سازی کند.

